

اکرام و تعهد نسبت به خانواده بایسته فرهنگی تحقق آرمان شهر مهدوی

صفیه جعفرپور^۱
محمد مهدوی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۳

چکیده

تحقق آرمان شهر مهدوی برای انسان از اهدافی است که دین اسلام در پی تحقق آن بوده است. از منظر دین اسلام، اصالت با پیشرفت فرهنگی است و رسیدن انسان به آرمان شهر مهدوی غایت سیر تکاملی انسان در مسیر پیشرفت فرهنگی معرفی شده است. بر این اساس جامعه قرآنی، بر بنیاد خانواده به عنوان مرکز توجه احکام، حقوق، آداب و اخلاق، اهتمام ویژه‌ای مبذول داشته و جایگاه آن را با آموزه‌های متعدد، تحکیم بخشیده است. برای این که خانواده بتواند در مسیر ایجاد آرمان شهر مهدوی حرکت کند، باید مقتضیات عصر جدید را بشناسد و بسیار سنجیده و هدفمند گام بردارد. این مقاله با روش تحلیلی و توصیفی نگاه ویژه‌ای به موضوع خانواده داشته و مؤلفه‌های فرهنگی خانواده را برای تحقق آرمان شهر مهدوی مورد بررسی قرار داده است. طبق یافته‌های مورد نظر که در طی مقاله به آن اشاره می‌شود، توجه به بایسته‌های مانند ایجاد شرایط ازدواج آسان، حسن معاشرت توصیه قرآن کریم برای داشتن زندگی ایده‌آل، مسئولیت‌پذیری و اهتمام داشتن به امور و... حرکت به سوی تحقق این ایده نجات‌بخش را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی

مهدویت، خانواده، فرهنگ، آرمان شهر.

۱. مربی دانشگاه فرهنگیان تبریز، ایران (نویسنده مسئول) (sjafarpour1390@gmail.com).

۲. دانشیار دانشگاه تبریز، ایران (mahdavi319@yahoo.com).

مقدمه

از دیدگاه دین اسلام بهترین و کامل‌ترین نوع زندگی، که بر مبنای فطرت و غریزه طبیعی انسان نیز می‌باشد، زندگی خانوادگی است (مطهری، ۱۳۷۶ش: ج ۱۹، ۶۰). تعالیم اسلام در مورد خانواده راهگشای معضلات گوناگونی است که امروزه دامن‌گیر جوامع انسانی شده است. عمل به سبک اسلامی در زندگی و اجرای روش‌های تعلیم و تربیت معصومین علیهم‌السلام در جامعه، بازگشت به مدینه فاضله‌ای است که همه انبیا و بزرگان وعده آن را داده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ش: ۱۸) که همان آرمان شهر مهدوی اسلام است.

پیروان ادیان مختلف و به ویژه نخبگان شهر همواره در تلاش بوده‌اند تا اندیشه‌های آرمان شهری خود را محقق سازند و آن را از ذهنیت به عینیت برسانند. در این راستا شیعه برای این که برای ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی خودش را آماده سازد، یکی از راه‌های این آماده باش عمومی، تربیت نسلی است که بتواند زمینه‌های ظهور را فراهم سازد.

خانواده یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارکان تربیت مهدی باور و تربیت قرآنی و مکتبی است. عمل تربیتی در خانواده به منزله پاسداری از فطرت توحیدی فرزند است. این پاسداری یک وظیفه بزرگ تربیتی و اخلاقی است که عمل به آن مهم‌ترین کارکرد خانواده را فعلیت می‌بخشد. بنابراین برای زمینه‌سازی ظهور و قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی هر یک از افراد جامعه، عموم مردم و حاکمان وظایف و الزاماتی در بُعد فرهنگی دارند.

لذا مسئله پژوهشی مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تبیینی این است که الزامات و بایسته‌های فرهنگی نهاد خانواده، در رساندن انسان به آرمان شهر مهدوی به عنوان هدف نهایی برنامه نظام مند اسلام چیست و چگونه آرمان شهر مهدوی را برای انسان محقق می‌سازد؟

مقاله «جایگاه خانواده در سبک زندگی اسلامی و ایجاد حیات طیبه از منظر قرآن کریم» (۱۳۹۸) اثر خارستانی، اسماعیل؛ سیفی، فاطمه، با هدف بررسی جایگاه خانواده در سبک زندگی اسلامی و ایجاد حیات طیبه از منظر قرآن کریم انجام شده است.

مقاله «پیشرفت فرهنگی و جایگاه حیات طیبه در فقه خانواده» (۱۳۹۴) نوشته منیر حق خواه، صدیقه محمدحسینی، به این که چگونه الزامات فقه خانواده، حیات طیبه را برای انسان محقق می‌سازد؟ پرداخته است و در نهایت برخی از احکام حوزه خانواده را، در دو طیف احکام زمینه ساز و احکام مانع‌زا در جهت تحقق «حیات طیبه» مورد بررسی قرار می‌دهد.

با بررسی‌های انجام شده پایان‌نامه یا مقاله‌ای که جامع «اکرام و تعهد نسبت به خانواده بایسته فرهنگی تحقق آرمان شهر مهدوی» باشد؛ تألیف نشده و لیکن در آثار اندیشمندان با موضوع مرتبط با «مهدویت» به صورت جزئی و در کنار سایر بخش‌ها به این موضوع اشاره گشته است. این پژوهش در پی آن است که بایسته‌های فرهنگی آرمان شهر مهدوی را در حوزه معنویت و فضیلت‌های اخلاقی مورد بررسی قرار دهد.

مفهوم‌شناسی عناصر محوری

مفاهیم و نظریه‌ها، سنگ بنای شناخت پدیده‌ها را شکل می‌دهند. شایسته است ابتدا به ارکان مفهومی و سپس به بایسته‌های فرهنگی تحقق آرمان شهر مهدوی در حوزه باورها اشاره شود.

۱. مهدویت

مهدویت: منظور از مهدویت، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، رفتارها، نمادها و شعائری است که در پرتو اعتقاد به امام دوازدهم شیعیان و منجی بودن ایشان در آخرالزمان شکل گرفته است (پرهیزگار، ۱۳۹۳ش: ۲۰).

مهدویت، اندیشه‌ای است که آثار اجتماعی بسیاری دارد. مهم‌ترین آنها، از بین بردن ناامیدی از پیکره اجتماع است. مهدویت، یعنی امیدواری به آینده‌های روشن و پیام رهایی بخش به بشر سرخورده و ستم‌دیده و این‌که روزی مردی الهی خواهد آمد و آنچه بدان امید دارند تحقق خواهد بخشید (مهدوی، جعفرپور، ۱۳۹۸ش «الف»: ۴)

۲. فرهنگ

در لغت فرهنگ به معنای تعلیم و تربیت، پرورش، عقل، ادب، بزرگی، سنجیدگی (تبریزی، ۱۳۱۷ش: ج ۲، ۱۰۱۲) بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن آمده است (دهخدا، ۱۳۴۱ش: ج ۳، ۲۲۷). فرهنگ عبارت است، مجموعه‌ای از ارزش‌های مادی و معنوی است که در آداب و رسوم، زبان، ادبیات، مقررات، عقاید، هنرها و سایر میراث‌های فرهنگی تجلی می‌یابد و بر راه و روش زندگی مردم اثر می‌گذارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ج ۱، ۱۱۲).

سخن آخر، در اصطلاح فرهنگ به مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها گفته می‌شود که افراد انسانی در طول سالیانی طولانی بدان دست یافته‌اند و آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده‌اند.

۳. آرمان شهر

آرمان شهر در لغت به معنی شهر آرمانی و ایده‌آل است و در اصطلاح، جامعه‌ای والا است که در آن، همه امور بر وفق مراد و مطابق میل باشد، جامعه‌ای که در آن نه خبری از ظلم و تبعیض، نه اثری از جنگ و ستیز و نه ردپایی از جهل و فقر یافت شود (احمدی و زمانی، ۱۳۹۰: ش: ۲۹-۵۹).

در حقیقت، آرمان شهرها بازتاب شرایط عینی جامعه‌اند. نویسنده یا طراح آرمان شهر که از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خویش یا از اوضاع حاکم بر جهان ناخرسند است و شرایط عینی را با تصورات ذهنی و آرمان‌های خویش ناسازگار می‌یابد، می‌کوشد تا با ارائه طرحی آرمانی، وضع موجود و ارزش‌های آن را انکار کند. با این حال، آرمان شهر تنها وسیله گذار از عینیت به ذهنیت و پناه بردن به تخیل صرف نیست، بلکه بازآفرینی ذهنی جامعه به قصد انتقاد از نظام مستقر است و محکی برای سنجش وضع موجود و آشکار ساختن نارسایی‌ها و ناروایی‌هایش می‌باشد (اصیل، ۱۳۸۱: ش: ۱۶).

۴. خانواده

واژه «خانواده» در فرهنگ‌های لغت فارسی مترادف و به معنای اهل خانه، اهل بیت، طایفه، خاندان، دوده، دودمان و تبار به کار رفته است (نقیسی، بی‌تا: ذیل «خاندان و خانواده»).

قرآن کریم واژه «اهل» را بارها در سوره‌های متعدد به معانی مختلف، از جمله به معنای خانواده (نساء: ۴ و ۹۲؛ مائده: ۵ و ۸۹)، زن و فرزند، و اهل خانه (قصص: ۲۸-۲۹) به کار برده است.

نهاد خانواده یکی از اصیل‌ترین و قدیمی‌ترین نهادهایی است که اجتماع بشری آن را تجربه کرده، اگر سرمنشأ و فلسفه وجودی تشکیل نهادها را نیازهای «ساخت یافته» بدانیم به یقین، خانواده نهادی است که یکی از طبیعی‌ترین و پایدارترین نیازهای انسان را به صورتی ساخت یافته و تعریف شده تأمین می‌کند. نیاز به آرامش و سکون و استراحت یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است که خداوند متعال با آفرینش زوج و جفتی در کنار انسان، این نیاز او را برآورده کرد و برای این که ساز و کار ارضای این نیاز قاعده‌مند باشد یک راه را مجاز دانست و آن نهاد «خانواده» است (کوهساران و همکاران، ۱۳۹۶: ش: ۱-۱۹).

خانواده مهدوی و استراتژی راهبردی در دوران غیبت

جایگاه خانواده در ساختمان جامعه، همچون اتم در ساختمان اجسام طبیعی است و اگر خانواده سالم و صالح و استوار باشند، می‌توان به داشتن جامعه‌ای سالم، صالح و متعالی و استوار امیدوار بود (روم: ۲۱) در واقع خانواده سالم و جامعه سالم، یک ارتباط دو طرفه دارند. برای تحقق آرمان شهر مهدوی، باید به تنظیم روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان توجه کرد. بنابراین به الزاماتی که در خانواده منجر به تحقق آرمان شهر مهدوی می‌شود، اشاره می‌گردد.

۱. ایجاد شرایط ازدواج آسان

دین مبین اسلام برای رساندن انسان به غایت پیشرفت فرهنگی یا همان آرمان شهر مهدوی، نگاه ویژه‌ای به خانواده و احکام مربوط به آن دارد. از نگاه قرآن کریم، خانواده مهم-ترین مهد تربیت، تکامل و تعالی آدمیان است و تحکیم جامعه به میزان استحکام خانواده‌ها و هرگونه تزلزل یا ضعف و سستی در جامعه به ناپایداری کانون خانواده وابسته است و هرگز افراد با خانواده‌های متزلزل یا متلاشی نمی‌توانند جامعه معتدل و متعالی به وجود آورند.

مضمون آیه ۲۱ سوره روم پایه اصلی خانواده را شکل می‌دهد. «و یکی از آیات او این است که برای شما از خود شما همسرانی خلق کرد تا به سوی آنان میل کنید و آرامش گیرید و بین شما مودت و رحمت قرار داد و در همین آیتها هست برای مردمی که تفکر کنند».

لذا آفرینش همسر برای آرامش انسان است، و در نتیجه اساس کار ازدواج از نظر قرآن آرامش است، و هرچیزی که این آرامش را بر هم بزند بر خلاف منطق قرآن است. در واقع ازدواج قرآنی این است که توأم با آرامش بوده و مهریه‌ها سبک، و جهیزیه‌ها و مراسمات ساده باشد، ازدواجی که دور از تشریفات کمرشکن باشد، قرآنی به شمار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶/۳/۲۷).

در قرآن کریم به یکی از مهم‌ترین راه‌های مبارزه با بی‌عفتی که ازدواج ساده و آسان، بی‌ریا و بی‌تکلف است، اشاره شده، و آمده است:

دختران و پسران و غلامان و کنیزان عذب خود را اگر شایستگی دارند نکاح نمائید که اگر تنگدست باشند خدا از کرم خویش توانگرشان کند که خدا وسعت بخش و دانا است (نور: ۳۲).

اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در همه زمینه‌ها [در قالب فعالیت‌های خیریه] به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۴، ۴۵۷).

از طرفی قرآن کریم، یک عذر تقریباً عمومی و بهانه همگانی برای فرار از زیر بار ازدواج و تشکیل خانواده مسئله فقر و نداشتن امکانات مالی را رد می‌کند و می‌فرماید:

از فقر و تنگدستی آنها نگران نباشید و در ازدواج شان بکوشید چرا که اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸ش: ج ۱۰، ۸۷).

آگاهی ما از ارزش‌های اسلامی و سنن حسنه ائمه اطهار علیهم‌السلام و رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و همچنین آشنایی با سیره عملی و تربیتی ایشان برای مبارزه با تشریفات مخرب و تسهیل امر ازدواج بسیار سودمند خواهد بود.

در قرآن کریم به یکی از مهم‌ترین راه‌های مبارزه با بی‌عفتی که ازدواج ساده و آسان، بی‌ریا و بی‌تکلف است، اشاره شده و آمده است:

دختران و پسران و غلامان و کنیزان عرب خود را اگر شایستگی دارند نکاح نمائید که اگر تنگدست باشند خدا از کرم خویش توانگرشان کند که خدا وسعت‌بخش و دانا است (نور: ۳۲).

از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است:

از نشانه‌های برکت زن آن است که خواستگاری اش بی‌تکلف و آسان انجام گیرد (متقی هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۶، ۳۲۲).

در انجام خواستگاری و عقد و عروسی کاری نباید کرد که موجب تکلف باشد بلکه باید به آسانی مقدمات عروسی و رفتن زوجین به خانه بخت را فراهم آورد. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در هنگام تزویج «میمونه» دختر «حارث» ولیمه داد و با غذای معجون خرما از حاضرین پذیرایی فرمود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۸۳۶).

تعالیم اسلام در مورد خانواده راهگشای معضلات گوناگونی است که امروزه دامن‌گیر جوامع انسانی شده است. عمل به سبک اسلامی در زندگی و اجرای روش‌های تعلیم و تربیت معصومین علیهم‌السلام در جامعه، بازگشت به مدینه فاضله‌ای است که همه انبیاء و بزرگان وعده آن را داده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ش: ۱۸) که همان آرمان شهر مهدوی اسلام است.

۲. حُسن معاشرت توصیه قرآن کریم برای داشتن زندگی ایده‌آل

هدف از ازدواج، تحقق سکونت و آرامشی است که در سایه تکامل و تعالی آدمی ایجاد می‌گردد تا در بستر این آرامش و سکونت، وی به حیات طیبه الهی دست یابد. در این راستا خداوند به منظور زمینه‌سازی تحقق همین تکامل و تعالی، مودت و رحمتی را با جاری شدن عقد نکاح، میان زن و مرد به ودیعت می‌نهد و می‌فرماید:

و یکی از آیات او این است که برای شما از خود شما همسرانی خلق کرد تا به سوی آنان میل کنید و آرامش گیرید و بین شما مودت و رحمت قرار داد و در همین آیت‌ها هست برای مردمی که تفکر کنند (روم: ۲۱).

این آیه شریفه نه تنها به جعل تکوینی مودت و رحمت اشاره دارد، بلکه به جعل تشریحی آن نیز پرداخته است. خالق‌ی که در طبیعت انسان چیزی را قرار می‌دهد، احکام شریعتش را مطابق با آن صادر می‌کند. رفتار محبت‌آمیز همسران با یکدیگر موجب آرامش خانواده و سلامتی روح و روان فرزندان می‌گردد. رحمت ضامن اجرای مودت است. قرآن کریم یکی از راهکارهای عملی رحمت را در حُسن معاشرت و عدم آزار و اذیت دانسته است (صدیقه مهدوی کنی، ۱۳۹۲ش: ج ۱۱، ۵۸).

خداوند متعال رفتارها و برخوردهای صحیح انسانی را در خانواده با «حُسن معاشرت» معرّفی می‌فرماید و از مرد و زن، رعایت آن را با میزان «معروف»، یعنی رفتاری پسندیده و انسانی می‌خواهد و می‌فرماید:

هان ای کسانی که ایمان آوردید این برای شما حلال نیست که بزور از شوهر رفتن زن میت جلوگیری کنید، تا بمیرد، و شما ارث او را بخورید، و در مضیقه‌شان بگذارید تا چیزی از مهریه‌ای که از شما گرفته‌اند به شما برگردانند، مگر آن‌که عمل شنیع روشنی مرتکب شده باشند، که در این صورت تضییق جایز است، و با زنان به‌طور شایسته معاشرت کنید، و اگر از آنان بدتان می‌آید باید بدانید که ممکن است شما از چیزی بدتان بیاید که خدا خیر بسیار را در آن نهاده باشد (نساء: ۱۹).

حُسن معاشرت در خانواده، در دو محدودهٔ مرزهای حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود (بهشتی، ۱۳۶۳: ۱۵۳). اگر شرایط زندگی از هر جهت دلخواه باشد اما حُسن معاشرت در آن نباشد، گویی شالوده و اساس زندگی روی آب بنا شده که با چشم بر هم زدنی خراب می‌شود. اساس حُسن معاشرت، شناخت مقام و منزلت و حقوق یکدیگر است. زن باید بداند که حقوق حقّه مرد، چیست و مقام و منزلت او کدام است و مرد هم باید از حقوق و مقام و

منزلت زن آگاه باشد و هر یک باید خود را موظف به ادای حق دیگری بدانند (کمالی دزفولی، ۱۳۶۹ش: ۱۳۰).

حق‌شناسی و حق‌محوری آن‌گاه نتیجه بخش خواهد بود که بر محور عشق‌ورزی بین اعضای خانواده سامان پذیرد. آن‌گاه که در خانواده عشق و محبت بر قلب‌ها حاکم گردد، رعایت هر حقی نسبت به دیگر اعضا شیرین و لذت بخش خواهد شد. در غیر این صورت اگر اعضای خانواده، فقط از نظر قانونی و حقوقی و نه از نظر محبتی و عاطفی، خود را ملزم به رعایت حقوق دیگر اعضا ببینند، هر نوع رعایت حق و انجام وظیفه و خدمتی را تلخ و ناگوار خواهند انگاشت و همواره به دنبال راه فرار خواهند گشت.

امام علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

با اخلاق نیک، زندگی خوش می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۱ش: ح ۴۲۶۳).

به همین منظور، در نگاه اسلام زن و مرد مکلفند که در خانواده با یکدیگر به نیکی رفتار کرده، حسن معاشرت داشته باشند (نساء: ۱۹) و از این طریق موهبت الهی بزرگی چون موَدّت و رحمت را به عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه تکامل خویش، صیانت و حفاظت نمایند تا غایت ازدواج که همان سکونت و آرامش است، در نهاد خانواده محقق شود؛ به گونه‌ای که در بستر این آرامش، نقایص شان برطرف گردد و درخت فطرتشان به بارنشیند و به حیات طیبه دست یابند.

این تکلیف تا آن‌جا در سیر تکاملی انسان و دست‌یابی وی به حیات طیبه حائز اهمیت است که در نگاه مفسران اگر هر یک از زوجین مرتکب عملی شود که آرامش، موَدّت و رحمت خانواده را خدشه دار کند، از مدار الهی خارج شده و در خط شیطان قرار می‌گیرد (قرائتی، ۱۳۸۳ش: ج ۹، ۱۸۹).

۳. مسئولیت‌پذیری و اهتمام داشتن به امور

با پیوند زن و شوهر بنای مقدس خانواده نهاده می‌شود و در نتیجه، اولین مسئولیت نیز از همین پیوند و رابطه شکل می‌گیرد. زن و شوهر به محض پیوند مشترک، مسئولیت‌های برایشان به وجود می‌آید که اگر به درستی عمل کنند، محیط خانواده و در نتیجه اجتماع، یکپارچه لبریز صفا و صمیمیت می‌شود و رنگ معنویت به خود می‌گیرد.

دین مبین اسلام با توجه به نیازمندی‌ها، توانمندی‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد هر یک

از زن و مرد، در آفرینش تکوینی به تقسیم وظایف در بین آنان پرداخته است (مطهری، ۱۳۷۶ش: ج ۱۹، ۱۶۹-۱۷۸) و مانند همان وظایفی که به سود مردان بر عهده زنان است، به طور شایسته، به سود آنان بر عهده مردان نیز می‌باشد (بقره: ۲۲۸).

اسلام در ضمن پابندی به اصل مساوات انسان‌ها اعم از زن و مرد، با توجه به تفاوت خلقت و طبیعت زنانه و مردانه، برای هریک حقوق و تکالیفی در خور قائل شده است و در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است. به عبارت بهتر، در تقسیم حقوق و تکالیف خانوادگی، برخلاف مکاتب مدعی توسعه که طرفدار تشابه این تکالیف بدون توجه به نیازمندی‌ها و توانمندی‌های زوجین هستند و عدالت را تنها تشابه در حقوق می‌دانند، دین مبین اسلام عدالت و تساوی حقوق زن و مرد را رعایت کرده است؛ در حالی که، با تشابه حقوق و تکالیف آنها مخالف است (مطهری، ۱۳۷۶ش: ج ۱۹، ۱۲۷-۱۳۷).

قانون آفرینش، وظیفه حساس مادری و پرورش نسل‌های نیرومند و پاک را بر عهده زن می‌نهد که سهم بیشتری از عواطف و احساسات را در خلقت اولیه خود داراست، و جنس مرد را که از سهم بیشتری در قدرت جسمانی، عقل معاش، توان تحمل سختی‌ها و شداید زندگی بهره‌مند است، موظف به وظایف خشن و سنگین تراجماعی مانند تأمین نفقه و رزق حلال می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۲، ۱۵۷). طبیعت زن به دلیل ظرافت، متقاضی محیط آرام و امن است و طبع پرتوان مرد، تاب و تحمل محیط‌های سخت کاری را دارد.

مدیریت خانواده با مرد است (نساء: ۳۴) و او وظیفه دارد با کردار و رفتار خویش، مهرورزی را در خانواده گسترش دهد و با خدمت به زن (شعیری، ۱۳۶۳ش: ۱۰۳) و مهربانی با اعضای خانواده (ابن بابویه، ۱۳۴۳ش: ج ۲، ۳۸)، محیط آرامی را برای اعضای خانواده فراهم آورد. البته تنها تأمین هزینه زندگی، تهیه مسکن، تغذیه و... وظیفه پدر و سرپرست نیست، بلکه مهم‌تر از آنها، تغذیه روح و جان اعضای خانواده است. تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم نمودن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۲۴، ۲۸۸).

این آموزه و تکلیف الهی در آیه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌های‌تان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها خواهند بود، نگه دارید» (تحریم: ۶) اشاره شده است. آنچه از این آیه استفاده می‌شود، هر یک از اعضای خانواده مخصوصاً پدر و سرپرست، علاوه بر

مسئولیت در برابر اعمال و رفتار خویش در پیشگاه خداوند تعالی، در مقابل اعمال خانواده خود نیز مسئول است. بر این مبنا لازم است انسان به وسیله ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش، در نجات و نگهداری خویشتن بکوشد و علاوه بر این تلاش در حفظ خویش، در تمام مراحل زندگی حتی از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج مثل انتخاب همسر، به حفظ و نگهداری خانواده خود اهتمام تام ورزد (همان: ج ۲۴، ۲۸۷).

تا با تکوین شخصیت خانواده خویش بر پایه دین حنیف از خواری دنیا رهانیده (حجازی، ۱۴۱۳ق: ۷۰۵) و به سر منزل مقصود یعنی حیات طیبه برساند.

نقش زن نیز به عنوان عضوی از خانواده، از همه نقش‌هایی که زن می‌تواند ایفاء کند، این اهمیتش بیشتر است. بحث سر این نیست که زن آیا می‌تواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه - نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمی‌کند - بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصور شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند؛ این از همه کارهای دیگر او مهم‌تر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد. اگر زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد، اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۴/۱۳).

و این هنری است که حضرت فاطمه علیها السلام آن را به اوج تجلی رسانده است. آن حضرت در آخرین وصیت‌هایش به امیرمؤمنان علی علیه السلام مبنی بر این معنا تأکید ورزیده است:
پسر عمو جان، تا در خانه تو بودم، دروغی نگفتم، خیانتی نکردم و از دستورات (الهی) تو هیچ‌گاه گامی فراتر ننهادم (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ۱۹۱).

زندگی مشترک علی و فاطمه کامل‌ترین اسوه در مسائل خانوادگی است. تقسیم کار در این خانه نورانی از علم و حکمت نبوی سرچشمه می‌گرفت: در روایت آمده است علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام وقتی که وارد زندگی مشترک شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله بر آنان وارد شد: برای دختر و دامادش تقسیم کار کرد، مدیریت خانه را بر عهده علی علیه السلام گذاشت و فرمود

کارهای داخل منزل به عهده حضرت فاطمه علیها السلام باشد و کارهای خارج منزل بر عهده علی علیه السلام (همان: ج ۴۳، ۸۶).

آن هنگام که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین تقسیم کاری را به علی و زهرا پیشنهاد فرمود، فاطمه خوشحالی و رضایت خویش را این‌گونه ابراز نمود:

جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه مسرور و خوشحال شدم؛ چرا که رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، باز داشت (همان: ج ۱۰۳، ۲۵۳).

تأکید و اصرار اهل بیت علیهم السلام بر خانواده محوری و ملازم خانه و خانواده بودن حاکی از توجه داشتن به اهمیت این نهاد بنیادین اجتماعی و تشکیل هسته‌های صالح و سالم برای تأسیس و تحقق آرمان شهر مهدوی است.

۴. تکلیف به تربیت فرزند و عوامل زمینه‌ساز آن

خانواده یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارکان تربیت مهدی باور و تربیت قرآنی و مکتبی است. عمل تربیتی در خانواده به منزله پاسداری از فطرت توحیدی فرزند است. این پاسداری یک وظیفه بزرگ تربیتی و اخلاقی است که عمل به آن مهم‌ترین کارکرد خانواده را فعلیت می‌بخشد. امام سجاد علیه السلام در *رسالة الحقوق* فرمودند:

حق فرزندی تو این است که بدانی او از توست و هرگونه که باشد چه نیک و چه بد در دنیای گذرا به تو منسوب است و تو در آنچه به او سرپرستی داری مسئول هستی در ادب نیکو و راهنمایی به سوی پروردگار و یاری او بر طاعت خداوند درباره تو و خودش. پس بر این کار پاداش می‌گیری. اگر درست عمل کنی و کیفر می‌بینی اگر نادرست عمل نمایی؛ پس او را چنان تربیت کن که با اثری که بر او می‌گذاری در دنیا زیبایی بیافرینی و با قیام شایسته به وظیفه‌ای که نسبت به او داری در نزد خداوند معذور باشی که هیچ قوتی نیست مگر از خداوند (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۲۶۳).

برای فعلیت یافتن مهم‌ترین کارکرد خانواده یعنی تربیت فرزندان به سبک اسلامی، والدین ابتدا باید به تربیت و اصلاح سبک رفتاری خود بپردازند تا بتوانند در این مسیر موفق باشند. زیرا بهترین شیوه تربیت الگودهی است؛ برای این‌که این الگوپذیری کودک از والدین در خانواده به نحو احسن صورت گیرد؛ مهم‌ترین عامل یکی بودن کردار و گفتار در خانواده است؛ آنچه پدر و مادر می‌گویند و به آن عمل می‌کنند، برای کودک به منزله حجت تلقی شده و از اعتبار خاصی برخوردار است (رهبر، ۱۳۸۹ ش: ۱۶/۳۷۷).

در خانواده، مادر مسئولیت‌های پرورشی ویژه‌ای به عهده دارد که مرد از آن محروم است. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه دربارهٔ زنان می‌فرماید:

زن، مربی جامعه است. از دامن زن انسان پیدا می‌شود. مرحلهٔ اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها، زن است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹ ش: ج ۷، ۳۳۹).

مادر که جلوه‌گاه عشق به خدا و امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمته‌الشریف است و هر صبحگاه خود را با دعای عهد، آغاز می‌نماید و لقمه‌ای بدون نام خدا بر نمی‌دارد، گامی جز برای رضای خدا بلند نمی‌کند، ساعات شب و روز خود را با یاد خدا و امام زمانش در خدمت همسر و فرزندانش قرار می‌دهد، به‌طور مسلم جلوه‌گاه تعلیمات نوربخش اسلام می‌باشد و تأثیرات عمیق باطنی بر روی خانواده خود خواهد نهاد.

خدای سبحان دست‌کم، وظایف و راهنمایی‌هایی به مدت سی ماه برای مادر مقرر فرموده است که این سی ماه، حداقل دوران حمل (شش ماه) و حداکثر آن (نُه ماه) و دوران دو سال شیرخوردن کودک است (بقره: ۲۳۳). چون اندیشه‌های مادر در کودک اثر می‌گذارد، باید بینش‌های خود را تعالی بخشد: پس وظیفه مادر فقط این نیست که با وضو و نام خدا نوزاد را شیر دهد. اینها عبادت‌های مطلوب و ظاهری است، ولی دین از مادر می‌خواهد که مواظب اندیشه‌های خود نیز باشد. بنابراین، مسئولیت زن در این سی ماه به مراتب بیشتر از مرد است و هرکه مسئولیتش بیشتر باشد، در صورت عمل به آن، توجهش به خدا بیشتر و در نتیجه موفق‌تر است (جوادی آملی، ۱۳۸۴ ش: ۱۳۷).

از مهم‌ترین آدابی که در عرض تمام دستورهای تربیتی در تمام دوره‌های تربیتی فرزند، از چهل روز پیش از انعقاد نطفه گرفته تا آخرین لحظه عمر، باید رعایت گردد، «تغذیه از لقمه حلال» یا «حلال خوری» است؛ تا جایی که مراعات کردن دیگر دستورهای تربیتی در فرآیند تربیت مهدوی، بدون تغذیه خانواده از روزی حلال، همانند پاشیدن بذر مناسب در شوره زار و یا همچون بنا کردن ساختمانی زیبا بر شن زاره (ابن فهد حلی، ۱۳۸۷ ش: ۱۴۱) است که هیچ حاصلی در بر نخواهد داشت؛ چنانچه امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

درآمد حرام، بر تمام نسل، اثر نامطلوب می‌گذارد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ۱۵).

مورد دیگر این است که، تربیت فرزند باید براساس اصل «محبت» باشد، اهل بیت علیهم‌السلام در تربیت فرزندان خود از اصل «محبت» استفاده کرده، آن را به خوبی اظهار می‌نمودند. این امر، گاه با درآغوش گرفتن فرزند، و گاهی با بوسیدن او نمود پیدا می‌کرد. انس بن مالک می‌گوید:

من هیچ کس را ندیدم که با خانواده خود، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم مهربان‌تر باشد (ابن کثیر،

دعوتی که بر پایه مهر و محبت باشد، همواره پذیرفته می‌شود و مادر به دلیل جایگاه عاطفی که در خانواده دارد، همواره می‌تواند جلوه‌گاه جمال الهی و بهترین انتقال‌دهنده علوم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

والدین باید بین فرزندان عدالت را رعایت کنند و اگر بنا به علتی، یکی از فرزندان را بیشتر دوست دارند، نباید علاقه خود را آشکار سازند؛ زیرا فرزندان به این مسئله حساس‌اند و تحمل آن برای‌شان دشوار است. در برخی خانواده‌ها، والدین میان دختر و پسر تبعیض قائل می‌شوند. بدیهی است که این‌گونه برخوردها، از نظر تربیتی آثار ویرانگری دارد و باید از آنها پرهیز کرد (یوسفیان، ۱۳۶۲ ش: ۱۴۵-۱۴۶).

تربیت فرزندان شایسته‌ای که بتوانند به عنوان سربازان امام زمان علیه‌السلام در جامعه تجلی نمایند، از اساسی‌ترین اهداف اسلام، در جهت زمینه‌سازی تحقق آرمان شهر مهدوی است؛ چنان‌که با دقت و حساسیت خاصی به تشریح احکام این حوزه می‌پردازد و در جهت بسترسازی تربیت هرچه بهتر طفل توصیه‌های متعدد و مبسوطی را حتی قبل از انعقاد نطفه از جمله در زمینه انتخاب همسر و... ارائه می‌کند. در همین راستا، این دین الهی در امور تربیت فرزندان، برای نهاد خانواده، نقش به‌سزایی قائل است و نقش اصلی و اولی را در تعلیم و تربیت اسلامی و الهی افراد به عهده والدین می‌گذارد و تربیت طفل را از تکالیف و واجبات عینی آنان معرفی می‌کند (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ ق: ج ۳، ۲۸۵) تا نسلی سالم و صالح که از لحاظ جسمی، اعتقادی و اخلاقی در نهایت تکامل و تعالی بوده، از هر پلیدی‌ها و آلودگی‌های ظاهری و معنوی پاک و مبرّی باشند (زارعی و عبداللهی، ۱۳۸۷ ش: ج ۱، ۸۰) تربیت کنند.

۵. آراستگی و پوشش در عین پاسداری از حریم عفاف

وجود غریزه جنسی و جذّابیت هر یک از مرد و زن برای یکدیگر، قدرت جسمی برتر مرد و لطافت جسمانی زن و علاقه بیشتر وی به تبرّج و خودنمایی در مقایسه با مرد، از اموری است که نمی‌توان انکار کرد. با توجه به این ویژگی‌ها، اگر زن بدون ضابطه، به هر صورتی در اجتماع حاضر شود و خود را در برابر دیدگان مردان به نمایش بگذارد، جامعه‌ای که محل کار و تلاش و کسب فضائل اخلاقی است، به صحنه نمایش جذّابیت‌های جنسی تبدیل می‌شود.

برای حضور و مشارکت در اجتماع انسان، نیازمند چیزی است که هم او را از آسیب سرما و آزار

گرما حفظ کند، هم از برهنگی نجات دهد و هم میل به زیبایی و آراستگی او را تأمین کند، به صحنه نمایش جذابیت‌های جنسی تبدیل می‌شود.

لباس پاسخی مناسب به همه این نیازهاست. لباسی که نقش پوشش، حفاظت و آراستن بدن را به عهده دارد، از جمله نعمت‌های خداوند متعال و از ضروریات زندگی بشر است. قرآن کریم می‌فرماید:

ای فرزندان آدم، ما برای شما جامه‌ای که شرمگاه‌های شما را بپوشاند و پوششی که مایه آرامش و زیبایی شما باشد پدید آورده‌ایم، و جامه‌ای که شما را از زشتی‌ها و گناهان مصون دارد که آن تقوا و پرهیزگاری است برای شما بهتر و ضروری‌تر است (اعراف: ۲۶).

بنابراین، پوشش ویژه زن نبوده و اسلام نیز آن را مختص زن ندانسته است. مرد نیز مؤظف به پوشش است. تفاوت زن و مرد در مقدار پوشش است، نه در اصل آن.

آیاتی که وجوب پوشش را برای زنان بیان می‌کنند در حقیقت، مرز زندگی خصوصی زن را از زندگی عمومی وی جدا می‌سازند. این آیات بیان می‌کنند که زن در زندگی عمومی و در اجتماعات، باید به گونه‌ای حاضر شود که با حضورش در زندگی خصوصی و در میان محارم خود، متفاوت باشد. از طرفی هم این آیات دلیل بر جواز مشارکت زن در اجتماع است و هم نشانه حمایت اسلام از دین و دنیای زن است (احزاب: ۵۹).

پوشش مناسب و حجاب و عفاف اسلامی از مهم‌ترین آداب و سلوک برای حضور و مشارکت زنان در جامعه اسلامی است. همان‌طور که آیت‌الله خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید:

اسلام می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی - بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان به حدّ اعلیٰ برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری به عنوان یک عضو، حدّ اعلای فایده و ثمره را داشته باشد. همه تعالیم اسلام از جمله مسئله حجاب، بر این اساس است. مسئله حجاب به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، برداشت غلط و انحرافی است. مسئله حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط، به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد - به خصوص به ضرر زن - است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶).

اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصرأً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد، اسلام می‌خواهد این دو محیط را

کاملاً از یکدیگر تفکیک کند (مطهری، ۱۳۸۷ش: ۸۲). به عبارتی روح مسئله پوشش، محدودیت کامیابی جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع است (همان: ۷۵-۷۶). در دین اسلام برای هدایت و کنترل غریزه تمایل به تبرّج و خودنمایی زنان، تدابیری اندیشیده شده است که بخشی از اقدامات تکوینی و بخشی تشریحی است. دست خلقت حیای بیشتری به زن ارزانی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۳۳۸) و نظام تربیتی اسلام با توصیه به کم کردن زمینه‌های اختلاط و رعایت حریم میان زن و مرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰، ج ۲۵۲۲) ترغیب زن به خودآرایی در برابر همسر و تجویز خودآرایی در برابر همجنس (نور: ۳۱) سعی کرده است تا این حد طبیعی را زمینه‌ای برای نشاط فردی و خانوادگی قرار دهد.

چون این غریزه آن‌گاه که در خدمت مصالح خانواده و تقویت رابطه زناشویی قرار گیرد، کارآیی ویژه‌ای برای زن می‌سازد اما اگر در روابط اجتماعی و بدون مدیریت صحیح بروز نماید مشکلات زیادی می‌آفریند. در این صورت نه تنها ضربه‌ای عظیم بر انسانیت، شخصیت و جایگاه ممتاز خود زده و روحش را آلوده کرده بلکه خانواده و جامعه را در معرض آفات و آسیب‌های فراوان قرار می‌دهد، زیرا سعادت و سلامت هر جامعه در خانواده‌ها پی‌ریزی می‌شود و انتقال ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی و اجتماعی در درجه اول به عهده خانواده‌ها به خصوص مادر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که جامعه سالم نیازمند مادران سالم است و جامعه فرهنگی، دینی و ارزشی، جامعه‌ای است که مادران آن از بینش و تفکر سالم فرهنگی، اجتماعی، دینی و ارزشی برخوردار باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۶، ۱۱۱-۱۱۲).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خوشا به حال کسی که مادرش عقیقه باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ۲۸۵).

زنان برای آن‌که نقش مادری و همسری را در جامعه به درستی ایفا کنند باید به سلاح‌هایی مجهز شوند که از مهم‌ترین آنها «حیا و عفاف» است. چنان‌که خدای متعال در سوره مبارکه قصص می‌فرماید:

چیزی نگذشت که یکی از آن دو زن که با حالت شرمگین راه می‌رفت به سوی موسی آمد و گفت پدرم تو را می‌خواند تا پاداش آب دادنت را بدهد، همین که موسی نزد پیرمرد آمد و داستان خود را به او گفت، پیرمرد گفت: دیگر مترس که از مردم ستمگر نجات یافتی (قصص: ۲۵).

علاوه بر این، در آموزه‌های روایی نسبت به این صفت توصیه و اشاره بسیار شده است،

امام صادق علیه السلام فرمود:

حیا و ایمان در یک رشته و همدوش هم هستند، چون یکی از آن دو رفت دیگری هم می‌رود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۰۶).

و نیز فرمودند:

اگرچه تفاوتی بین زن و مرد در مزین شدن به آن نیست، اما بر زنان نیکوتر است (دیلمی، ۱۳۷۶ش: ج ۱، ۱۹۳).

بنابراین مهم‌ترین ابزار زن مسلمان در عمق بخشی نقش اجتماعی‌اش رعایت حجاب و عفاف است. بانوان منتظر آخرین حجت خداوند پاسدار حریم عفت‌اند، همان صفتی که امام عصر علیه السلام آنها را بایسته زنان ائمه مه‌دوی می‌داند و آراستگی به آن صفات را از درگاه عزّ ربوبی برایشان درخواست می‌کند (کفعمی، ۱۴۱۸ق: دعای امام زمان علیه السلام). در این صورت است که هم می‌تواند جامعه را متأثر از حضور خود سازد و هم می‌تواند دل‌ها را به سوی امام زمان علیه السلام متمایل گرداند و گامی در جهت تحقق آرمان شهر مه‌دوی بردارند.

نتیجه‌گیری

تحقق آرمان شهر مه‌دوی، غایت برنامه جامع تکاملی اسلام، در مسیر تعالی فرهنگی انسان است.

خانواده، کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد جامعه است. کوچک‌ترین به جهت کمیت اعضا و مهم‌ترین به لحاظ کیفیت. هر چه خانواده از نظر آگاهی، اخلاق، تعهد و عاطفه از کیفیت بالاتری برخوردار باشد و به تمام نیازهای اعضای آن به‌طور منطقی پاسخ داده شود، آنها در برخورد با مشکلات کمتر دچار آسیب خواهند شد و کمتر به هنجارشکنی اجتماعی سوق خواهند یافت (موسوی، پاک سرشت، شریفی نعمت آباد و خواب جاوید، ۱۳۹۵).

حسن معاشرت تا آنجا در سیر تکاملی انسان و دستیابی وی به حیات طیبه حائز اهمیت است که در نگاه مفسران اگر هر یک از زوجین مرتکب عملی شود که آرامش، مودت و رحمت خانواده را خدشه‌دار کند، از مدار الهی خارج شده و در خط شیطان قرار می‌گیرد (قرائتی، ۱۳۸۳ش: ج ۹، ۱۸۹).

رشد و شکوفایی نظام خانواده، مرهون شناخت و رعایت دقیق حقوق هر یکی از اعضای آن نسبت به یکدیگر است. در نظام خانواده پدر و مادر، و زن و شوهر است که هر کدام از حقوق

ویژه‌ای در ارتباط با یکدیگر و در ارتباط با فرزندان برخوردار هستند، به عبارتی هر چه خانواده به سوی اسلامی و قرآنی شدن پیش رود، قطعاً جامعه نیز سالم‌تر خواهد بود. و بسترهای تحقق آرمان‌شهر مهدوی فراهم خواهد شد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۴۳ش)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تحقیق: مهدی حسینی، تهران: جهان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ش)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۳۸۷ش)، *عده الداعی*، تحقیق: احمد موحدی، تهران: انتشارات وجدانی.
۵. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۲۰ق)، *السیرة النبویه*، بیروت: دارالکتب العربی.
۶. احمدی، جمال؛ زمانی، سارا (۱۳۹۰ش)، «بررسی آرمان‌شهر در اشعار فریدون مشیری»، *تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی*، شماره ۹.
۷. اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱ش)، *آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی*، تهران: نشر نی.
۸. انصاری شیرازی، قدرت‌الله (۱۴۲۹ق)، *موسوعة أحكام الأصفال وأدلتها*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام.
۹. بهشتی، احمد (۱۳۶۳ش)، *خانواده در قرآن*، قم: انتشارات طریق القدس.
۱۰. تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۱۷ش)، *برهان قاطع*، تهران: طبع کتاب.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۳ش)، *غررالحکم ودرر الکلم*، شرح: محمدتقی خوانساری، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ش)، *زن در آئینه جلال و جمال*، قم: اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، *تسنیم*، محقق: علی اسلامی، قم: اسراء، هشتم.
۱۴. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق)، *التفسیر الواضح*، بیروت: دارالجمیل الجدید، دهم.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸ش)، *بیانات در دیدار جمعی از بانوان پزشک کشور با رهبر انقلاب*، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱ش)، *لغت نامه*، زیر نظر: دکتر محمد معین، تهران: شرکت چاپ افست گلشن.
۱۸. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۳۷۶ش)، *ارشاد القلوب*، قم: جامعه مدرسین.
۱۹. رهبر، الهه (۱۳۸۹ش)، «خانواده و نقش عملکرد آن در تربیت دینی، تضاد شیوه‌های تربیتی خانواده و مدرسه»، *پیوند*، ش ۳۷۷.
۲۰. زارعی، محمد مهدی؛ عبد الهی، عبد الکریم (۱۳۸۷ش)، «جایگاه همسانی اخلاقی زوجین در تشکیل خانواده در فقه و حقوق موضوعه»، *فقه و اصول*، شماره ۸۱.
۲۱. شعیری، محمد بن محمد (۱۳۶۳ش)، *جامع الأخبار*، قم: انتشارات رضی.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. کفعمی، علی بن ابراهیم (۱۴۱۸ق)، *البلد الامین والدرع الحصین*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. کمالی دزفولی، سید علی (۱۳۶۹ش)، *قرآن و مقام زن*، تهران: انتشارات هادی.
۲۶. کوهساری، م؛ امینی، س؛ سارونی، ح؛ منصوری رضوی، م (۱۳۹۶ش)، *زن و خانواده و سبک زندگی اسلامی*، دومین کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه، دانشگاه الزهراء.
۲۷. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۳۹۷ق)، *کنز العمال*، تصحیح: صفوة السقا، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفا، سوم.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱ش)، *اخلاق در قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ش)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ش)، *مسئله حجاب*، تهران: صدرا.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸ش)، *پیام قرآن*، قم: مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹ش)، *صحیفه*، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۵. موسوی، زهرا؛ پاک سرشت، محمد؛ مصباح، محمد تقی؛ شریفی نعمت آباد،

- شکوفه (۱۳۹۵ش)، «خواب جاوید، حسنه، نگاهی به جایگاه زن و خانواده در سبک زندگی اسلامی»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ش ۲.
۳۶. مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۹۲ش)، «اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام»، ندای صادق، شماره ۵۸.
۳۷. مهدوی، محمد؛ جعفرپور، صفیه (۱۳۹۸ش)، تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت، دانشگاه تبریز: اولین همایش ملی انقلاب اسلامی کارآمدی، فرصت‌ها و چالش‌ها.
۳۸. نفیسی، علی‌اکبر (بی‌تا)، فرهنگ نفیسی، مقدمه: محمدعلی فروغی، سعید نفیسی، تهران: انتشارات خیام.
۳۹. یوسفیان، نعمت‌الله (۱۳۹۲ش)، تربیت دینی فرزندان، تهران: زمزم هدایت، پنجم.